



A critical Analysis of Authenticity of *Safarnāmi-yi Isfahan*, attributed to 'Afzal al-Mulk

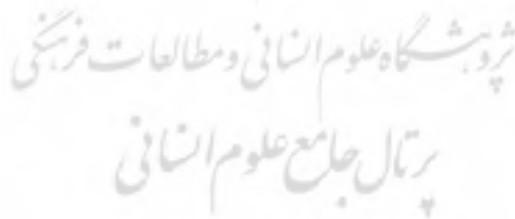
Dr. Mostafa Goudarzi

Professor, Department of Advanced Studies in Art, Faculty of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

Behzad Mohebbi (Corresponding Author)

Ph.D. Student in Art Research, Department of Advanced Studies in Arts, Faculty of Visual Arts, College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran

Email: mohebi_behzad@yahoo.com





History & Culture

تاریخ و فرهنگ

سال ۵۴ - شماره ۲ - شماره پیاپی ۱۰۹ - پاییز و زمستان ۱۴۰۱، ص ۱۴۶ - ۱۳۷	HomePage: https://jhistory.um.ac.ir
شاپا چاپی x ۷۰۶ - ۲۲۲۸	شاپا الکترونیکی ۴۳۴۱ - ۲۵۳۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵	تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۱/۲۶
نوع مقاله: نقد کتاب	تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۳
	DOI: https://doi.org/10.22067/jhistory.2023.80096.1190

نقد و بررسی اصالت کتاب سفرنامه اصفهان منتسب به افضل الملک

دکتر مصطفی گودرزی

استاد، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران

بهزاد محبی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکتری پژوهش هنر، گروه مطالعات عالی هنر، دانشکده هنرهای تجسمی، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه

تهران

Email: mohebi_behzad@yahoo.com

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در مورد تاریخ اصفهان دوره صفوی، آثار مکتوب و تصویری متعددی وجود دارد، اما همه این منابع از اعتبار برخوردار نیستند. برخی از این منابع یا از اصالت برخوردار نبوده یا به صورت تحریف شده به معرفی آثار این دوران پرداخته‌اند. عدم توجه به اصالت برخی از این منابع، موجب خدشه‌دار شدن پژوهش‌هایی شده است که از منابع غیر اصیل استفاده کرده‌اند. بنابراین جهت ارزیابی اصالت منابع مورد استفاده در پژوهش‌های علمی ضرورت دارد، پژوهشگر در جستجوی دستیابی به حقایقی باشد که عموماً به شکلی سازمان‌یافته جمع‌آوری می‌شوند تا به این واسطه پاسخگوی سؤال‌ها و فرضیه‌های اصلی پژوهش گردند. مسئولیت پژوهشگر درک تفاوت بین واقعیت، عقیده و همچنین تخیل است و دستیابی به این موارد، نیاز به منابعی معتبر دارد؛ لذا پژوهشگر قبل از استفاده از منابع، می‌بایست از اعتبار آن‌ها اطمینان حاصل کند. در این نوشتار تلاش شده تا با بررسی کتاب سفرنامه اصفهان،^۲ منسوب به میرزا غلامحسین افضل‌الملک (۱۲۴۱-۱۳۰۸ ش) از نویسندگان دوره قاجار، اصالت آن مورد نقد و واکاوی قرار گیرد و در این راستا، نسخه خطی و همچنین کتاب انتشار یافته آن بررسی شده است. میرزا غلامحسین در سال‌های پایانی حکومت ناصرالدین‌شاه (حک: ۱۲۷۵-۱۲۲۶ ش) به عنوان مترجم وارد دستگاه حکومتی شد. وی پس از طی مراحل مختلف و پس از قتل ناصرالدین‌شاه در سال ۱۲۷۴ ش، به دربار مظفرالدین‌شاه (حک: ۱۲۸۵-۱۲۷۵ ش) راه یافته^۳ و به عنوان مورخ رسمی انتخاب شد و لقب افضل‌الملک را دریافت کرد.^۴ مطالعه حاضر با رویکرد انتقادی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است.

توصیف

کتاب سفرنامه اصفهان، همچنان که از عنوان آن نیز مشخص است، به تاریخ شهر اصفهان پرداخته است، اما چون هدف این نوشتار بررسی اصالت انتساب این کتاب به افضل‌الملک بوده، لذا از طرح عناوین و مطالب آن خودداری شده است. نسخه خطی این کتاب که با دستخط شخص افضل‌الملک نگارش یافته، با شماره ثبتی ۷۹۷۶ در کتابخانه مجلس محفوظ بوده و نسخه چاپی آن به سال ۱۳۷۹ ش منتشر شده است.

برخی از پژوهشگران حوزه نسخ خطی اعتقاد دارند که «نسخه خط مؤلف، دست‌نویس مؤلف است.

۲. افضل‌الملک. سفرنامه اصفهان. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۷۹۷۶.

۳. افضل‌الملک. سفرنامه اصفهان. به کوشش ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.

۴. افضل‌الملک، سفرنامه اصفهان، ۹.

۵. خزائی و خزائی، «تاریخ‌نویسی افضل‌الملک: تجربه زیسته در دوزیست جهان سنتی و مدرن»، ۹۷.

هر نسخه خط مؤلفی نسخه اصلی است»^۶؛ اما این تعریف ارائه شده از نسخه‌های خطی، قابل تفسیری به تمامی نسخه‌ها نیست و چه بسا اشخاصی که در حوزه نسخ تاریخی فعال بوده‌اند به جهت حفظ نسخه‌ای خاص، از روی نسخه اصلی رونویسی کرده‌اند. این مورد در رابطه با این نسخه خطی نیز صادق است. فرضیه اصلی نوشتار حاضر مبتنی بر این بوده که کتاب سفرنامه اصفهان در مطالب و شیوه تنظیم تطابق عین به عینی با نسخه دیگر مرتبط با شهر اصفهان به نام نصف جهان فی تعریف اصفهان^۷ نوشته محمد مهدی اصفهانی دارد و اینکه کدام نویسنده، نسخه نگارش شده را، از روی آن دیگری انجام داده، نیاز به نگاه تاریخی به زندگانی نویسندگان هر دو نسخه و موارد دیگر مرتبط با این مسئله را دارد.

تحلیل

در مقدمه مصحح کتاب نصف جهان فی تعریف اصفهان نوشته محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی (۱۲۷۵-۱۱۹۷ ش) آمده است که این نسخه جزء کتاب‌هایی بوده که در زمان سلطنت ناصرالدین شاه و به جهت جمع‌آوری دقیق و علمی اطلاعات شهری نوشته شده است، «در سال ۱۳۰۰ هجری قمری [۱۲۶۲ ش] گردآوری این کتاب را تمام کرده و به نظر دستگاه دولتی که مأمور مطالعه و بررسی مطالب جغرافیایی و تاریخی بوده‌اند رسانیده و مورد قبول و پسند واقع شده است»^۸. اما مؤلف بنا بر خواهش دوستان مبنی بر افزودن بخش‌هایی به این کتاب، در سال ۱۲۶۴ ش مجدد به تنظیم کتاب پرداخته و نسخه موجود در ۱۲۶۹ ش تحریر شده است.

محمد مهدی بن محمد رضا اصفهانی معروف به «اریاب» اگرچه از بازرگانان نامی زمان خویش بوده، اما در کنار این شغل، به نوشتن و تصحیح منابع تاریخی نیز پرداخته و شخص عالم و مطلعی در باب علم جغرافیا و از فضلا و ادبای آن دوران بوده است.^۹ وی به واسطه شغل بازرگانی چندین سفر به هندوستان داشته و در آنجا با علوم روز دنیا آشنا شده، بعد از بازگشت به ایران (۱۲۳۵ ش) و اقامت دوساله در اصفهان، به سال ۱۲۳۷ ش به تهران عزیمت کرده است.

مصحح کتاب سفرنامه اصفهان، این نسخه خطی محفوظ در کتابخانه مجلس (۱۷۹۷۶) را متعلق به غلامحسین افضل‌الملک معرفی کرده است و با آوردن فهرست آثار افضل‌الملک بیان می‌دارد که در این فهرست به کتاب سفرنامه اصفهان اشاره نشده است و خود استنتاج می‌کند که «با توجه به تحریری بودن

۶. حسن‌زاده و تفضلی شادپور، «کاربرد مأخذ در تشخیص نسخه‌های اصل: با تکیه بر منابع تاریخی»، ۹۲.

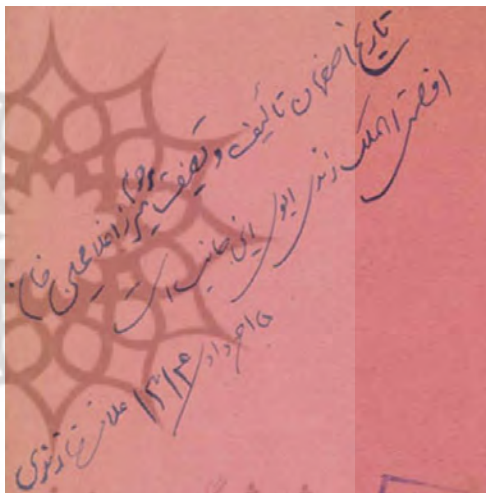
۷. اصفهانی، محمد مهدی، نصف جهان فی تعریف اصفهان. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.

۸. همو، ب.

۹. مینوی، نقد حال، ۵۳۷.

متن، مسلم می‌شود که این نسخه از دست‌نوشته‌های نگارنده در دوره جوانی و عهد ناصری است؛ ازاین‌رو شاید بتوان آن را به‌عنوان یک تجربه به حساب آورد یا ازجمله آثار دانت که در آن زمان از طرف اعتمادالسلطنه به‌عنوان یک کار ضعیف رد شده باشد.^{۱۰}

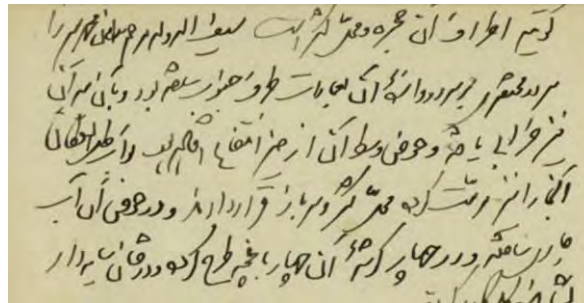
بنابراین مصحح کتاب سفرنامه اصفهان خود نیز اذعان می‌دارد که چنین کتابی در لیست مجموع آثار وی مشاهده نشده و سپس بدون ارجاع به هیچ سند تاریخی، دلایلی را از نزد خویش بر این مدعا نگاشته است. در ابتدای نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس و به تاریخ ۱۵ خرداد ۱۳۱۴ش نوشته‌ای از غلامرضا زند وجود دارد که تألیف و تصنیف این کتاب را منسوب به پدر خویش دانسته است (تصویر ۱)؛ اما مرور موارد و تطبیق دقیق نسخه‌ها صحت این ادعا را نیز زیر سؤال می‌برد.



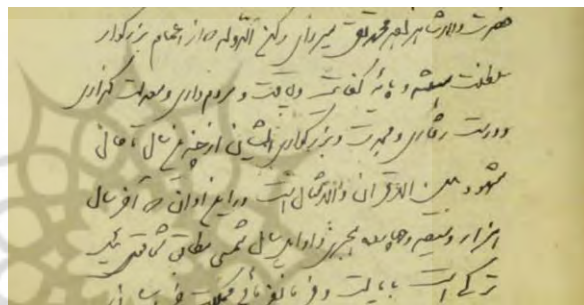
تصویر ۱: دست‌نوشته صفحه نخست سفرنامه اصفهان، منسوب به افضل‌الملک. منبع: افضل‌الملک، بی‌تا، الف.

الاصفهانی به‌صورت کاملی به زمان نگارش و تصحیح، سال نشر و همچنین به منابع استفاده شده در نگارش این کتاب اشاره دقیقی داشته است. وی در مقدمه این کتاب به منابعی که در مورد اصفهان نوشته شده، اشاره کرده و از دو کتاب محاسن اصفهان و نسب‌نامه نام برده و به توضیح آن‌ها پرداخته است. مبنای جواب به این پرسش که آیا نسخه سفرنامه اصفهان توسط شخص افضل‌الملک استنساخ شده است را با رجوع به کتاب‌های وی که در اصالت نگارشی و نیز دست‌نوشته آن تردیدی وجود ندارد، می‌توان تعیین و مشخص نمود. لذا نسخه خطی کتاب افضل‌التواریخ جهت مقایسه مابین این دو نسخه انتخاب گردید که با توجه به سنخیت این دو با یکدیگر، می‌توان با قطعیت بیان داشت که نسخه خطی سفرنامه

اصفهان به دستخط افضل الملک است (تصویر ۲)، (تصویر ۳).



تصویر ۲: سفرنامه اصفهان، منسوب به افضل الملک.
منبع: افضل الملک، بی تا، الف، ۱۳.



تصویر ۳: افضل الملک، افضل التواریخ، شماره ۲۱۶.
(منبع: افضل الملک، بی تا، ب، ۲۳۲.)

مقایسه تمامی بخش های این دو نسخه، نشان دهنده شباهت تام مابین آنهاست و بر طبق نمونه ای که از هر دو نسخه آورده شده است، وجود اختلاف های جزئی در برخی از کلمات را نیز می توان به تفاوت های نوشتاری مابین نسخه نویسان مرتبط دانست. در ذیل نمونه هایی از این گونه تفاوت ها آورده شده است:

الاصفھانی فصل اول را با عنوان «در بیان کلیات حالات اصفهان و ناحیه آن و تغییرات اسمی و نسبی که در آن روی نموده است» شروع کرده و چنین نگاشته است: «اصفهان از مشاهیر بلدان ایران است و از امهات بلاد عراق عجم و در اقلیم معتدل میانی واقع شده. عرض آن شمالی است و از خط استوا سی و دو درجه و هشت دقیقه است. طول آن مشرقی است و از جزیره فره که آخرین جزیره سیزده گانه خالداست و در مغرب همه آن هاست و مبدأ طول قدماء آن بوده تقریباً هفتاد درجه است و از گرینویچ که مرصد طائفه انگلیس و قریب شهر لندن است و مبدأ طول آن طایفه است تقریباً پنجاه و یک درجه و پنجاه دقیقه است»^{۱۱}.

افضل الملک نسخه را با عنوان «اصفهان و جغرافیای طبیعی آن» شروع کرده و چنین نوشته است:

۱۱. الاصفھانی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ۶.

«مفضل ابن سعد کتابی درباره اصفهان نوشته و آن را محاسن اصفهان خوانده است. در عهد مغول آن را به فارسی ترجمه کرده‌اند. در کتاب قلاید اشرف، بندی در آن پرداخته شده و حمزه اصفهانی و صاحب نسب‌نامه به لغت پارسی تفصیلی زیاد نوشته‌اند و اروپاییان زیاد در مورد اصفهان نگاشته‌اند. اصفهان عرض شمالی آن از خط استوا سی و دو درجه و سی و هشت دقیقه است. طول آن مشرقی است و از جزیره فیره که آخرین جزیره سیزده‌گانه خالدهات است و همه آن‌ها طرف مغرب واقع است و آن مبدأ طول قدما بوده تقریباً هفتاد درجه است و از گرینچ که مرصد طائفه انگلیس و قریب شهر لندن است و مبدأ طول آن طایفه است تقریباً پنجاه و یک درجه و پنجاه دقیقه است».^{۱۲}

نمونه دیگر می‌توان به این گزارش اشاره کرد که «دیگر از بناهای قدیم مسجد جامع عتیق است که در ضمن بیان مساجد ان‌شاء‌الله خواهد آمد»^{۱۳} اما افضل‌الملک به این صورت آورده است: «دیگر از بناهای قدیم، مسجد جامع عتیق است - ذکر خواهد شد ان‌شاء‌الله».^{۱۴}

مورد قابل‌ذکر دیگر، تلخیص‌های صورت گرفته در نسخه منسوب به افضل‌الملک است و با توجه به اینکه تلخیص کردن واژه در نسخه نویسی بنا بر سلیقه شخص نویسنده امری معمول بوده، لذا در نوشتار ذیل نیز این نوع از تلخیص قابل مشاهده است:

«یکی قلعه طبرک است و بانی آن معلوم نشده و از محلات شرق واقع است و آن را الحال پای قلعه می‌نامند و آن قلعه معتبری است. دیوار و بارو و مشیر حاج همه به جای خود است».^{۱۵}

«و از جمله آن‌ها یکی قلعه طبرک است. بفتح‌تین که وجه تسمیه و لغت آن معلوم حقیر نیست و آن محله‌ای از محلات شرقی شهر واقع است و الحال آن محله را پای قلعه می‌نامند. چنانچه گذشت و آن قلعه معتبری است، دیوار و باره و شیر حاجی همه بجای و همه مستحکم است».^{۱۶}

بر طبق بررسی هر دو نسخه و نمونه‌ای که در ادامه بدان استناد شده است، بیان عین به‌عین نیز در بسیاری از جملات این دو نسخه وجود دارد و تنها تغییرات املاتی در برخی واژگان همچون «طالار/تالار» دیده می‌شود:

«و از جمله بناهای دولتی عمارت طالار طویل است، طالار آن چندان تعریفی ندارد، چون که آنجا محل بستن اسبان خاصه بوده و پادشاه برای دیدن و نظاره اسبان بدانجا آمده قدری می‌نشسته است لهذا

۱۲. افضل‌الملک، سفرنامه اصفهان، ۲۱.

۱۳. الاصفهانی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ۳۳-۳۲.

۱۴. افضل‌الملک، سفرنامه اصفهان، ۲۷.

۱۵. همو، ۲۷.

۱۶. الاصفهانی، نصف جهان فی تعریف الاصفهان، ۳۱-۳۰.

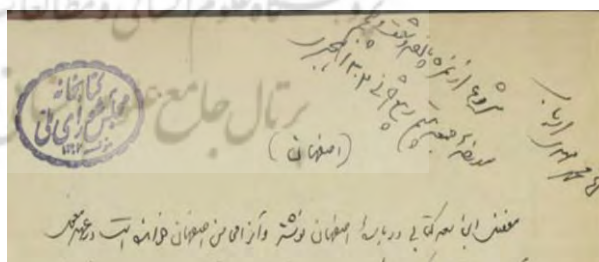
چندان اهمیاتی در وضع بنا و اساس عالی ننموده است؛ اما حوض خانه جنب آن مایل به شمال روی مشرق، معروف با طاق مروارید ساخته شده، تمام آن تذهیب و زرنشان که مثل آن کمتر نشان داده‌اند و کمال تعریف را دارد».^{۱۷}

«از جمله عمارات دولتی، عمارت تالار طویله است. تالار آن چندان تعریف ندارد چون که سرطویله اسبان خاصه بوده و پادشاه آنجا به نظاره اسبان آمده ساعتی می‌نشسته، چندان اهمیاتی در وضع بنای آن ننموده است. اما حوض خانه آن مایل به شمال روی به مشرق معروف به اطاق مروارید ساخته شده و تمام آن تذهیب و زرنشان است».^{۱۸}

نتیجه‌گیری

فصل‌بندی یکسان و مطالب آورده شده عین به عین، نشان از یکی بودن این دو نسخه را دارند و تنها وجوه افتراق این دو نسخه حذف و اضافه جزئی برخی موارد و همچنین استفاده از کلمات مشابهی است که نسخه‌نویس امکان خوانش صحیح کلمات را نداشته است. مسئله بسیار حائز اهمیت در صفحه آغازین نسخه خطی منسوب به افضل‌الملک نهفته است (تصویر ۴) و عجیب اینکه توسط مصحح محترم مورد توجه واقع نشده است، مورد اول و بسیار مهم، درج نام آقای محمدمهدی ارباب در گوشه سمت راست نسخه است که اشاره مستقیم به نگارنده اصلی کتاب دارد و نکته دوم، تاریخ شروع این نسخه‌نویسی که ربیع‌الثانی ۱۳۰۲ ق/ ۱۲۶۳ ش درج شده و این در حالی است که الاصفهانی نسخه را به سال ۱۳۰۰ که ۱۲۶۱ ش تمام و تحویل می‌دهد و صرفاً بنا به خواهش دوستان از سال ۱۳۰۳ ق/ ۱۲۶۴ ش مطالبی را به آن اضافه می‌نماید.

تصویر ۴: برشی از صفحه نخست سفرنامه اصفهان، منسوب به افضل‌الملک.
منبع: افضل‌الملک، بی‌تا، الف، ۱.



۱۷. همو، ۳۴.

۱۸. افضل‌الملک، سفرنامه اصفهان، ۲۸.

جزئیات مطالب شکی در این باقی نمی‌گذارد که این دو نسخه، نه کتاب‌هایی جداگانه، بلکه مربوط به کتاب نصف جهان فی تعریف الاصفهان تألیف محمدمهدی بن محمدرضا اصفهانی بوده و نسخه خطی توسط افضل‌الملک نسخه‌برداری شده است.

از آن جهت که در این نوشتار نه امکان و نه ضرورتی برای آوردن تمامی موارد بود؛ لذا به جهت مستندسازی موارد گفته شده، بخش‌هایی از این دو نسخه آورده شده است. جهت بسط بیشتر و کاوش در جهت مدعای فوق، محققان گران‌قدر می‌توانند به مطالعه تطبیقی مابین این دو نسخه معرفی شده بپردازند.

تشکر و قدردانی

مقاله حاضر از رساله دکتری نگارنده دوم با عنوان «دلایل و عوامل موثر در تخریب بناهای صفوی اصفهان و بازآفرینی و جوه تزئینی منتخبی از این بناها» (مطالعه موردی: تالار طویل، تالار آینه خانه، کاخ جهان نما) که در دانشگاه تهران به راهنمایی نگارنده اول انجام گرفته، مستخرج شده است، بدین وسیله از مساعدت مجموعه دانشگاه کمال تشکر را داریم.

فهرست منابع

افضل‌الملک، میرزا غلامحسین. سفرنامه اصفهان. به کوشش ناصر افشارفر. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۹.

افضل‌الملک، میرزا غلامحسین. افضل‌التواریخ. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۱۶، بی‌تا، ب.

افضل‌الملک، میرزا غلامحسین. سفرنامه اصفهان. تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۷۹۷۶، بی‌تا، الف.

الاصفهانی، محمدمهدی. نصف جهان فی تعریف الاصفهان. به تصحیح منوچهر ستوده. تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۸.

حسن‌زاده، اسماعیل و مریم تفضلی شادپور. «کاربرد مأخذ در تشخیص نسخه‌های اصل: با تکیه بر منابع تاریخی». تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری، ۱۱، ش. ۹۶ (۱۳۹۲): ۱۲۴-۸۹.

خزائی، یعقوب و شیرزاد خزایی. «تاریخ‌نویسی افضل‌الملک؛ تجربه زیسته در دوزیست جهان سنتی و مدرن». تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام ۹، ش. ۱۷ (۱۳۹۷): ۹۱-۶۷.

مینوی، مجتبی. نقد حال. تهران: انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۷.

Transliterated Bibliography

Afzal al-Mulk, Mīrzā Ghulām Ḥusayn. *Afzal al-Tawārīkh*. Tehran: Kitābkhānih-yi Majlis Shūrāy Islāmī, no 216, s.d. B.

Afzal al-Mulk, Mīrzā Ghulām Ḥusayn. *Safarnāmah-yi Isfahān*. ed. Nāṣir Afshārfar. Tehran: Vizārat Farhang va Irshād-i Islāmī, 2000/1379.

Afzal al-Mulk, Mīrzā Ghulām Ḥusayn. *Safarnāmah-yi Isfahān*. Tehran: Kitābkhānih-yi Majlis Shūrāy Islāmī, no. 7976, s.d. A.

Al-Isfahānī, Muḥammad Mahdī. *Niṣf-i Jahān fī Ta'rif al-Isfahān*. ed. Manūchihr Sutūdah. Tehran: Intishārāt-i Amīr Kabīr, 1989/1368.

Ḥasanzādih, Ismā'īl va Maryam Tafaẓẓulī Shādpūr. "Kārburd-i Ma'ākhiz dar Tashkhīṣ Nuskhih-hā-yi Aṣl: bā Takīyah bar Manāba'-i Tārīkhī". *Tārīkh Nigārī va Tārīkh Nigārī*, 11, no. 96(2013/1392): 89-124.

Khazā'ī, Ya'qūb va Shīrẓād Khazā'ī. "Tārīkh Nivīsī Afzal al-Mulk; Tajrūbih-yi Zīstih dar dū Zīst Jahān-i Sunatī va Mudīrīn". *Tārīkh-nāmah-yi Irān ba'd az Islām*, 9, no. 17 (2018/1397): 67-91.

Mīnavī, Mujtabā. *Naqd-i Ḥāl*. Tehran: Intishārāt-i Khvārazmī, 1988/1367.